

نوگرایی و رئالیسم در اندیشه‌های سید عظیم شیروانی و تأثیر آن در محتوای نشریات قفقاز در اوایل قرن بیستم

(مطالعه موردی: نشریه ملانصرالدین)

رقیه جوادی^۱

فرهاد نوبخت^۲

چکیده

سید عظیم شیروانی، یکی از پیشگامان نوگرایی و رئالیسم در میان مسلمانان قفقاز بود که با باورهای اشتباه و سنت‌گرایانه جامعه خویش به مبارزه پرداخت و با اشاعه اندیشه‌های نوگرایانه در ایجاد مدارس نوین، تدریس علوم جدید در مدارس، مبارزه با خرافات و تعالیم سنتی موجود در جامعه، در تغییر وضعیت زندگی مسلمانان قفقاز نقش مهمی داشت. اندیشه‌های واقع‌گرایانه شیروانی، در میان شاگردان و هم‌عصران رئالیست وی مورد توجه قرار گرفت و در محتوای مطبوعات آن عصر، از جمله نشریه «ملانصرالدین» انعکاس یافت. این پژوهش، بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی، به تأثیر اندیشه‌های رئالیستی سید عظیم شیروانی در محتوای نشریه ملانصرالدین بپردازد.

^۱. دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز، مدرس دانشگاه یاسوج: r.javadi43@yahoo.com
^۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول): farhadnobakht820@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۹

یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که افکار و اندیشه‌های رئالیستی سید عظیم شیروانی و اقدامات وی در راستای تبلیغ نوگرایی و رئالیسم در قفقاز، نقش مهمی در توجه نشریه ملانصرالدین به واقع‌گرایی و اصول جدید داشت و این نشریه با پشتوانه نظری اندیشه‌های رئالیستی شیروانی، تأثیر بسیاری در مبارزه با خرافات و نیز حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان قفقاز داشت.

واژگان کلیدی

سید عظیم شیروانی، ملانصرالدین، رئالیسم، اندیشه.

مقدمه

در قرن نوزدهم، اندیشه‌های جدید غرب از طریق روسیه به قفقاز رسید و روشنفکران مسلمان این مناطق نیز برای اولین بار با این اندیشه‌ها آشنا شدند. نوگرایی و رئالیسم، یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی بود که از همان آغاز نفوذ اندیشه‌های جدید در قفقاز روشنفکران این مناطق را به خود جلب کرد. این حرکت، با میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۸۱۲-۱۸۷۸م) و نمایشنامه‌های رئالیستی وی آغاز شد. آخوندزاده برای نخستین بار با نقد خرافات و عوام‌گرایی، تلاش کرد مردم را از عقاید باطل دور سازد. وی بهترین راه نقد این‌گونه عقاید مردم را در تمسخر و استهزا می‌دانست و از آن با عنوان فن کریتکا یاد می‌کرد (آخوندزاده، ۱۳۵۱: ۲۱-۲۷).

سید عظیم شیروانی، از دیگر روشنفکران و شاعران مهم قفقاز بود که تقریباً تمام عمر خود را در راه تبلیغ افکار نو و رئالیستی در میان مسلمانان قفقاز سپری کرد. شیروانی که خود یک روحانی بود، برخلاف دیگر روحانیون آن زمان، حساسیت بسیاری به کج‌فهمی و خرافات موجود در جامعه نشان داد و در راه تحقق نوگرایی و رئالیسم، فعالیت‌های ماندگاری در تأسیس مدارس جدید، شکل‌گیری مطبوعات و نیز تربیت روشنفکران در قفقاز نمود. وی آگاه نمودن مسلمانان از اصول جدید و رئالیستی و دور کردن آنها از خرافات را یکی از رسالت‌های خود قلمداد می‌کرد و از هر وسیله‌ای در نشر و اشاعه اندیشه‌های جدید و

رئالیستی در میان مسلمانان قفقاز بهره می‌گرفت. یکی از مهم‌ترین این وسیله‌ها، شعر بود که شیروانی از آن در ترویج اندیشه‌های جدید و رئالیستی، بهره فراوانی برد و او را در طراز یکی از مهم‌ترین شاعران رئالیستی مسلمانان قفقاز قرار داد.

یکی از نشریه‌های مهم قفقاز در اوایل قرن بیستم که تأثیر اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی سید عظیم شیروانی در لابه‌لای صفحات آن به چشم می‌خورد، نشریه «ملانصرالدین» به سردبیری جلیل محمدقلی زاده است. ملانصرالدین، به همت جلیل محمدقلی زاده به صورت طنز و به زبان ترکی در شهرهای مختلفی مانند: تفلیس، باکو و تبریز چاپ می‌شد. این نشریه با تأثیرپذیری از اندیشه‌های رئالیستی سید عظیم شیروانی و شاگردان وی همانند میرزا علی‌اکبر صابر، نقش مهمی در اشاعه رئالیسم و دوری از خرافات بر عهده گرفته بود. بدین ترتیب، هدف از این پژوهش، پاسخ‌گویی به این پرسش است که مهم‌ترین مؤلفه‌های دیدگاه نوگرایانه و رئالیستی سید عظیم شیروانی کدام‌اند؟ و اندیشه‌های نو و رئالیستی وی چه تأثیری بر محتوای نشریه ملانصرالدین داشت؟

برای بررسی این موضوع، نخست به تبیین و تشریح نوگرایی و رئالیسم در اندیشه سید عظیم شیروانی پرداخته می‌شود و سپس، با بررسی زندگی و زمانه شیروانی، آثار اندیشه‌های رئالیستی و نوگرایانه‌ی وی را بر نشریه ملانصرالدین بررسی می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش در این نوشتار، از دو راه متفاوت امکان‌پذیر است:

اول: بررسی پیشینه تحقیقات مربوط به اشعار سید عظیم شیروانی و اندیشه‌های او که در زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی صورت گرفت. با بررسی پژوهشی این موضوع در زبان فارسی، مشخص شد که تحقیق مستقل و روشمندی درباره سید عظیم شیروانی، اشعار و اندیشه‌های وی در زبان فارسی وجود ندارد؛ فقط در پاره‌ای از تحقیقات ادبی، به برخی از وجوه زندگی، آثار و اشعار وی اشاره شده است که از مهم‌ترین این آثار می‌توان به مقدمه فارسی دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی اشاره کرد که اطلاعات مفیدی از زندگی و حیات ادبی وی ارائه می‌دهد. همچنین، رحیم رئیس‌نیا نیز در مقاله «عندلیب کاشی، پدر بزرگ زنده‌یاد کاوه دهگان و [ارادت] نامه‌های سید عظیم شیروانی به او...»، ضمن بحث

از شاعران ایرانی معاصر سید عظیم، از جمله عندلیب کاشی، اطلاعاتی از زندگی و حیات ادبی شیروانی نیز ارائه می‌دهد.

در زبان ترکی آذربایجانی نیز با وجود چاپ قابل توجه آثار و اشعار شیروانی در آذربایجان ایران و آذربایجان قفقاز، اکثر تحقیقات به سبک و ویژگی‌های شعر وی اختصاص دارد و در باره اندیشه‌های جدید و رئالیستی وی، تحقیقات مستقل و جامعی به چشم نمی‌خورد. حسین محمدزاده صدیق، از مهم‌ترین محققان در مورد سید عظیم شیروانی به شمار می‌رود که تحقیقات ارزشمندی در خصوص اشعار و افکار شیروانی انجام داده است؛ اما وی نیز توجه چندانی به اندیشه‌های جدید و رئالیستی، و مهم‌تر از آن، تأثیر افکار شیروانی بر مطبوعات قفقاز، از جمله ملانصرالدین ننموده است. می‌توان گفت که فریدون بیگ کوچرلی (۱۸۶۳ - ۱۹۲۰م)، تنها محقق است که در آثار خود، هرچند به صورت مختصر، به اندیشه و افکار جدید و رئالیستی شیروانی اشاره کرده است. کوچرلی، تأثیرپذیری بسیاری از سید عظیم در باره تدریس شیوه‌های جدید در مدارس پذیرفته بود که به نظر می‌رسد، در مهم‌ترین اثر خود، یعنی «بالالارا هدیه» (هدیه به بچه‌ها) که از نخستین آثار در حوزه ادبیات کودک در قفقاز به شمار می‌رود، تحت تأثیر «ربیع الأطفال» سیدعظیم شیروانی قرار گرفته باشد. با وجود این، کوچرلی نیز به تأثیر اندیشه‌های شیروانی بر روشنفکران و محافل مطبوعاتی قفقاز توجهی ننموده است. همچنین، «کایناز آصلان» نیز اندیشه‌های شیروانی در مورد شیوه‌های جدید آموزشی را به بحث گذاشته است.

دوم: تحقیقات انجام‌شده در باره نشریه ملانصرالدین است که در هر دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی انجام پذیرفته و بیشترین تحقیقات را نیز به خود اختصاص داده است. در زبان فارسی، از مهم‌ترین تحقیقات در خصوص نشریه ملانصرالدین می‌توان به کتاب «ملانصرالدین در تبریز» از صمد سرداری‌نیا اشاره کرد. برخی تحقیقات نیز به تأثیر ملانصرالدین در فضای سیاسی و مطبوعاتی ایران پرداخته‌اند که در آنها هیچ اشاره‌ای به تأثیر آثار و اندیشه‌های متفکرانی مانند شیروانی در نشریه ملانصرالدین نشده است. فرهاد دشتکی‌نیا در مقالاتی با عنوان «ملانصرالدین و انقلاب مشروطیت» و «ملانصرالدین و مسئله زنان»، دیدگاه‌های ملانصرالدین و جلیل محمدقلی‌زاده درباره انقلاب مشروطیت ایران و زنان را بررسی کرده است. از مهم‌ترین تحقیقات درباره ملانصرالدین به زبان ترکی آذربایجانی نیز می‌توان به کتاب‌های خاطرات در مورد جلیل محمدقلی‌زاده و میرزا علی‌اکبر

صابر اشاره کرد که در تبیین رویکرد و اهداف و نیز جهت‌گیری ملانصرالدین در فضای سیاسی و اجتماعی مسلمانان قفقاز و ایران، اهمیت بسزایی دارند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که با وجود برخی تحقیقات در خصوص سید عظیم شیروانی و نشریه ملانصرالدین در هر دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی، هیچ پژوهش مستقلی در باره اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی سید عظیم شیروانی و تأثیر آن در نشریه ملانصرالدین در زبان فارسی و ترکی صورت نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است تا این فضای خالی را در میان تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع پر نماید.

پیشگامان مسئله نوگرایی و رئالیسم در قفقاز

نام رئالیسم برای نخستین بار در سال ۱۸۴۳ م، توسط «شانفلوری» مطرح شد. رئالیسم که در تقابل با رومانتیسم شکل گرفت، توجه به واقعیات زندگی و دوری از وهم و خیال را در دستور کار خود قرار داده بود (سیدحسینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۳-۲۷۸). در واقع، این مکتب ادبی تلاش می‌کرد تا با کشف و بیان واقعیت‌ها، روابط علت و معلول و نیز توجه به عینیت برتری حقیقت بر خیال را اثبات کند (همان: ۲۷۸-۲۸۰).

از قرن نوزدهم، روشنفکران مسلمان قفقاز نیز برای اولین بار از طریق روسیه و نمایندگان بزرگ مکتب رئالیستی آن مانند لئون تولستوی، با اندیشه‌های رئالیستی آشنایی پیدا کردند؛ هر چند پیش از آن نیز رگه‌هایی از واقع‌گرایی در میان مسلمانان قفقاز به چشم می‌خورد. منابع، از «ملا پناه واقف»^۱ (۱۷۱۷-۱۷۹۷ م)، از شاعران و متفکران قفقاز به عنوان نخستین رئالیست در میان ترک‌های مسلمان قفقاز یاد می‌کنند (Adabiyat 11/ XXIX, 2017: Macmuasi). ملا پناه واقف، با انتقاد از درد و رنج و بدبختی جامعه

^۱ ملا پناه واقف، در سال ۱۷۱۷ م در منطقه‌ای به نام «قازاخ» جمهوری آذربایجان در نزدیکی مرز گرجستان به دنیا آمد. در دهه پنجاه، قرن هیجدهم به منطقه جوانشیر قره‌باغ کوچ می‌کنند و مدتی بعد، تحت حمایت ابراهیم خان جوانشیر، حاکم قره‌باغ در آمد. ملا پناه، مدتی بعد به وزارت ابراهیم خان جوانشیر نیز تعیین شد. واقف در سال ۱۷۹۷ م با حمله آقا محمدخان قاجار به قلعه شوشی، دستگیر و محبوس گردید. وی پس از قتل آقا محمدخان، از اردوی وی فرار نمود و به قره‌باغ برگشت؛ اما مورد غضب محمدخان جوانشیر، برادرزاده ابراهیم خان جوانشیر که حاکمیت قره‌باغ را به عهده داشت، واقع شد و توسط محمدخان در سال ۱۷۹۷ م به همراه پسرش، علی، اعدام گردید. (ر.ک: Molla, 2004), p. 3-5. (Panah Vagif)

خویش، اشعار خود را به بیان زندگی واقعی اختصاص می‌داد (VagifAsarlari, 2004: 10-13). اندیشه‌های رئالیستی ملاپناه، بعدها مورد توجه میرزا فتحعلی آخوندزاده (از روشنفکران نسل اول آذربایجان) قرار گرفت. آخوندزاده با جمع‌آوری اشعار و آثار وی، زمینه چاپ آنها را توسط «آدلف برگر» آلمانی در لایپزیک آلمان فراهم آورد (Ibid: 11) و «تمثیلات» خود را نیز تحت تأثیر اندیشه‌های رئالیستی ملاپناه واقف به رشته تحریر در آورد (Adabiyat Macmuasi, 2017: XXIX/ 11-13).

تقریباً هم‌زمان با آخوندزاده، سید عظیم شیروانی نیز از جمله رئالیست‌های مسلمان قفقاز به شمار می‌رفت. شیروانی همانند سایر روشنفکران قفقاز، تمام تلاش خود را به زندگی واقعی و واقع‌نگری در میان مسلمانان قفقاز اختصاص داد. وی در جریان سفرهای نسبتاً طولانی خود، عقب‌ماندگی مسلمانان و استعمار اروپا در کشورهای اسلامی را مشاهده کرد و پس از بازگشت از سفر، بهترین راه آگاهی و پیشرفت مردم را در ایجاد مدارس نوین یافت. وی از معدود روحانیونی به شمار می‌رفت که نه تنها از ایجاد و تأسیس مدارس نوین حمایت می‌کرد، بلکه خود نیز به عنوان معلم شروع به تدریس علوم جدید در این مدارس نمود (Shirvani, 2005: I/ 6-7).

شیروانی برای اولین بار در میان مسلمانان قفقاز، با وجود مخالفت‌های روحانیون و عوام، اصول جدید تدریس را در مدارس شماخی تدوین کرد و به اجرا گذاشت. وی در این مدارس، بعضی فنون و مفاهیم جدید مرتبط با زندگی دنیوی را تعلیم می‌داد (Shirvani, 2005: II/ 117-120). این شیوه نو در آموزش که مدتی بعد اسماعیل گاسپرالی (۱۸۵۱-۱۹۱۴م)، از روشنفکران مسلمان اهل کریمه روسیه در اواخر قرن نوزدهم را به یکی از پرچمداران آن تبدیل نمود، پیش از گاسپرالی به شکل منسجم و سازمان‌یافته‌ای در افکار و اعمال سید عظیم شیروانی رسوخ کرده بود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت شیروانی تقریباً همه عمر خود را در راه اشاعه و نشر اصول جدید در مدارس نوین سپری کرد؛ هرچند سید عظیم از جهاتی با گاسپرالی تفاوت‌هایی نیز داشت؛ زیرا سید عظیم، اکثر افکار و اندیشه‌های نوگرایانه خود را در قالب شعر بیان می‌کرد و برخلاف گاسپرالی که اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی وی در مواردی وجهه سیاسی و ناسیونالیستی به خود می‌گرفت، افکار سید عظیم در این باره بدون داشتن رنگ و بوی سیاسی، تنها به منظور آگاهی و پیشرفت مسلمانان قفقاز بود؛ اما در این نکته که سید عظیم شیروانی، قبل از گاسپرالی، یکی از منادیان اصول جدید در مدارس بود،

جای شکی وجود ندارد.

از دیگر مسائل مهم در ارتباط با اندیشه‌های سید عظیم شیروانی، تبیین علمی از مسائل روزمره خود بود. او با تمام قوا به تبیین علمی از مسائلی مانند عدم مرکزیت زمین و نیز منشأ زلزله و باران پرداخت و در این راه، سختی‌های فراوانی را نیز متحمل شد؛ زیرا عوام و برخی روحانیون متعصب، وی را به کفر و بی‌دینی متهم می‌کردند (شیروانی، ۱۳۸۰: ۱۰). هم‌زمان با این اقدامات، سید عظیم در اولین روزنامه ترکی در قفقاز، یعنی «اکینچی» (کشاورز) نیز با حسن بیگ زردآبی به همکاری می‌پرداخت و در این روزنامه با تبیین اهمیت مطبوعات برای جوامع اسلامی، مردم را به علم و سوادآموزی ترغیب می‌نمود و اشعاری در مدح علم و هجو مخالفان اکینچی نیز چاپ می‌کرد (Shirvani, 2005: I/ 7-9). سید عظیم در اشعار خود که بازتاب اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی وی به شمار می‌رود، افکار جدید و واقع‌گرایی خود را به نظم کشیده است. در واقع، سلاح اصلی وی، در تبیین و تشریح اصول جدید و رئالیستی با زبان شعر بود و مسائلی چون: علم، دنیادوستی، عقل‌گرایی، مقاومت روحانیون و مردم عادی در برابر اصول جدید، هجو خرافات دینی و اجتماعی و روحانیون، انتقاد از مخالفان، مبارزه با ستم و فساد و ریا و نقش مطبوعات در پیشرفت مسلمانان قفقاز، بخش عمده اشعار سید عظیم را تشکیل می‌دهند. تأثیر اندیشه‌های رئالیستی شیروانی در شاگردان و روشنفکران بعد از وی، مانند: جلیل محمدقلی‌زاده، میرزا علی‌اکبر صابر و صمد ورغون مشاهده می‌شود (Ibid: II).

جلیل محمدقلی‌زاده، از دیگر پیشگامان رئالیسم در قفقاز بود که با نشر مطبوعات، نقش مهمی در پیشبرد اندیشه‌های نوگرایانه در میان مسلمانان قفقاز داشت. وی قبل از نشریه ملانصرالدین، سردبیری روزنامه «شرق روس» را برای مدت کوتاهی برعهده داشت (AŞIRLI, 2009: 56). این روزنامه، در سال ۱۹۰۳م با پرداختن به اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی به مدیریت محمدآقا شاه تختینسکی در تفلیس چاپ می‌شد. شرق روس، بر لزوم علم و سوادآموزی و نقش آن در ترقی و سعادت مسلمانان تأکید بسیاری داشت و خواستار جلوگیری از انتصاب افراد مخالف با سواد زنان در سمت قاضی یا گوبرناتوری باکو بود (شرق روس، ۲ مه ۱۹۰۳، ش ۱۴: ۲-۳). از این رو، محمدقلی‌زاده متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی جامعه خویش و تحت تأثیر اندیشه‌های سید عظیم شیروانی در نشریه ملانصرالدین، به شکل بارزی به بیان نارسایی‌های حاکم بر جامعه خویش می‌پردازد.

نگاهی به زندگی و فعالیت‌های سید عظیم شیروانی

سید عظیم شیروانی در سال ۱۸۳۵ م (۱۲۵۱ ق)، در شماخی قفقاز به دنیا آمد. وی در هفت سالگی پدرش را از دست داد و به همراه مادرش به یکی از روستاهای داغستان رفته، تحت حمایت و مراقبت ملاحسین، پدر بزرگ مادری‌اش که در داغستان به سر می‌برد، درآمدند. سید عظیم، اولین تعالیم و تربیت خود را نزد ملاحسین فرا گرفت و در مدت یازده سال حضور در داغستان، به خیلی از علوم زمان خود دست یافت و به شعر و شاعری نیز روی آورد. وی در ۱۸ سالگی به زادگاهش، شماخی آمد و مدتی در مدرسه روحانیه آنجا تحصیل کرد. پس از آن، در سال ۱۸۵۵ م سفر به عراق، شام، حجاز، مصر و عثمانی را از سر می‌گیرد و در مدارس دینی نجف، بغداد و شام (سوریه) به تحصیل علوم دینی می‌پردازد. سید عظیم در این مدت، در کنار تسلط بر علوم دینی و تاریخ اسلام، با اندیشمندان مسلمان دیگر مناطق و نیز فلسفه شرق و ادبیات عربی آشنایی کامل پیدا کرد (Shirvani, 2005: I/ I-6).

هم‌زمانی این سفرها با مسائلی مانند عقب‌ماندگی مسلمانان، استعمار اروپا در کشورهای اسلامی و جریاناتی مانند پان‌اسلامیسم، نقش مهمی در اندیشه‌های سید عظیم شیروانی داشت؛ به‌گونه‌ای که وی را به این نتیجه رساند که مسلمانان باید شیوه زندگی خود را تغییر دهند. سید عظیم در همین راستا پس از بازگشت از سفر، بهترین راه آگاهی و پیشرفت مردم را در ایجاد مدارس نوین یافت و در کسوت یک معلم، شروع به تدریس در این مدارس نمود (Ibid: 6-7). فریدون بیگ کوچرلی، از چهره‌های سرشناس ادبیات آذربایجان قفقاز در اوایل قرن بیستم، در باره شیروانی می‌نویسد:

مرحوم شیروانی با وجود اینکه دوره طفولیت خود را با شیوه‌های کهنه و قدیمی سپری کرده بود، اما از فرهنگ و مدنیت اروپا نیز بهره برده بود. تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی نداشت؛ اما با توجه به استعداد ذاتی خود، مهم‌ترین عابد، عارف و شاعر عصر خود بود (Kocharli, 2005:II/ 37).

شیروانی در کنار فعالیت در مدارس شیروان، باکو و همکاری با روزنامه «اکینچی» (کشاورز)، از ادبیات و شعر هم دور نبود و در واقع، بخش مهمی از فعالیت‌های علمی و

فرهنگی سید عظیم را اشعار ترکی وی تشکیل می‌دهد. وی به زبان فارسی نیز اشعاری سرود؛ اما بخش عمده آن، به زبان ترکی است که مهم‌ترین آن را غزلیات وی تشکیل می‌دهد. دیوان اشعار ترکی سید عظیم، بازتاب اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی وی به شمار می‌رود. سید عظیم در این دیوان، همه نظرات سیاسی و اجتماعی خود را در قالب شعر که بخش عمده آن را هجویات تشکیل می‌دهند، به نظم کشیده است. او اشعار بسیاری در مدح اهل بیت (ع)، از جمله امام علی (ع) نیز سروده است.

تربیت بزرگانی مانند میرزا علی‌اکبر صابر، از همکاران مهم جلیل محمدقلی‌زاده در نشریه ملا نصرالدین و نیز تأسیس انجمن‌های ادبی مانند انجمن «بیت الصفا»، از دیگر فعالیت‌های فرهنگی وی به شمار می‌رود (شیروانی، ۱۳۸۶: ۳۲-۳۳). همچنین، سلطان مجید غنی‌زاده، از نمایندگان مشهور آذربایجان در اوایل قرن بیستم، از دیگر شاگردان سید عظیم محسوب می‌شود (رئیس‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶).

سرانجام سید عظیم در سال ۱۸۸۸ م (۱۳۱۵ ق)، پس از یک عمر مجاهدت در راه اشاعه اصول جدید و واقع‌نگری، به دست عوامل تعصب و خرافات کشته می‌شود. حسین محمدزاده صدیق می‌نویسد:

سید را که درونمایه شعرش مبارزه با ستم و فساد و ریاست، بارها آزرده و سرانجام در شب ۲۱ رمضان سال ۱۳۱۵ ق در شهر شماخی هنگام خروج از مسجد شهیدش کردند (شیروانی، ۱۳۸۶: ۳۲-۳۳).

دیوان ترکی سید، نخستین بار ۹ سال پس از مرگ وی در تبریز چاپ شد. وی علاوه بر دیوان ترکی، کلیات اشعار فارسی نیز دارد (رئیس‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶). در کنار این، سید عظیم حکایت‌ها و تمثیل‌هایی به نظم و نثر نیز دارد که برای نمونه می‌توان به: «قصص الأنبياء»، «غزوات حضرت علی (ع)»، «ربیع الأطفال»، «حکایات منظوم» و «شیروان‌نامه» اشاره کرد.

ملا نصرالدین و اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی سید عظیم شیروانی

ورود اندیشه‌های جدید و رئالیستی به قفقاز، روشنفکران و در ادامه، محافل مطبوعاتی این منطقه از جهان اسلام را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد. با وجود اینکه افرادی مانند سید عظیم شیروانی، از مهم‌ترین نمایندگان نوگرایی و رئالیسم در قرن نوزدهم به شمار می‌-

روند، اما این مسئله، یعنی نوگرایی و رئالیسم، از اوایل قرن بیستم بود که در سایه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و افزایش چشمگیر نشریات در میان محافل مطبوعاتی مسلمانان قفقاز رواج پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین نشریات این دوره که آثار اندیشه‌های رئالیستی و نوگرایانه سید عظیم شیروانی در آن به‌وضوح دیده می‌شود، نشریه ملانصرالدین است. ملانصرالدین که انتشار آن از ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱ م به طول انجامید، یکی از مهم‌ترین نشریات قفقاز و آذربایجان در اوایل قرن بیستم بود که در محافل علمی مربوط به مسلمانان قفقاز و آذربایجان از جایگاه مهمی برخوردار بود؛ به‌گونه‌ای که کمتر محققى را می‌توان پیدا کرد که در بررسی تحولات قفقاز و آذربایجان در اوایل قرن بیستم، از نشریه ملانصرالدین بی‌نیاز باشد. ملانصرالدین، با شگرد و رویکرد خاص خود، نه تنها در قفقاز، بلکه در کل جهان اسلام نیز نقش مهمی در تبلیغ رئالیسم و نوگرایی و دوری از خرافات داشت. این نشریه در مدت بیست‌وپنج سال فعالیت، ۷۴۸ شماره منتشر کرد که ۴۰۰ شماره آن در تفلیس، ۳۴۸ شماره در باکو و ۸ شماره نیز در تبریز انتشار یافت (دشتکی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۲).

توجه جلیل محمدقلی‌زاده به اندیشه‌های رئالیستی و نوگرایانه در ملانصرالدین، متأثر از تحصیلات جدیدی است که در مدارس روسی صورت گرفته بود. وی در دوره‌ای که به عنوان مدیر در روستای زادگاه خود فعالیت می‌کرد، با مخالفت روحانیون متحجر در برابر مدارس جدید روبه‌رو بوده و بر آمیختگی علوم دینی با خرافات واقف بود (موسوی عبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۹۹). شرق روس که سردبیری آن را محمدقلی‌زاده به عهده داشت، اولین روزنامه قرن بیستم در میان ترک‌های مسلمان قفقاز بود که از عقل و منطق و علم در برابر احادیث و تفاسیر دینی، و از حقیقت و واقعیت در برابر افسانه حمایت کرد^۱ (شرق روس، ۱۸ مه ۱۹۰۳، ش ۲۰: ۲) که از جهات مختلفی، با اندیشه‌های رئالیستی و واقع‌گرایانه سید عظیم شیروانی همسویی داشت.

جلیل محمدقلی‌زاده همکاران آینده خود در ملانصرالدین را در این روزنامه پیدا کرد و با کمک افرادی مانند عمر فائق نعمان‌زاده و میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر، اولین شماره نشریه

^۱. «شرق روس»، در مقاله‌ای به مناسبت دویستمین سالگرد تأسیس پتروگراد، با اشاره به اقدامات پتر کبیر در پیشرفت و ترقی و بیدار کردن روسیه از خواب غفلت، می‌نویسد که با اقدامات پتر بود که در روسیه به جای شریعت، عقل، به جای تفسیر و احادیث، علم و فن [...] و منافع ملت و تحقیق و وجدان، حاکم شد. با این اقدامات، افسانه محو شد و به جای آن، حقیقت نشست. (شرق روس، ۱۸ مه ۱۹۰۳، ش ۲۰: ۲)

ملانصرالدین را در ۷ آوریل ۱۹۰۶ / ۱۷ فروردین ۱۲۸۵ در تفلیس منتشر کردند (Aşırılı, 2009: 82). میرزا علی اکبر صابر که از ستون‌های نشریه ملانصرالدین به شمار می‌رفت، همشهری شیروانی بود و چندین سال نیز شاگرد سید عظیم شیروانی بود و در مدارس جدید شیروانی تحصیل کرده بود (محمدقلی زاده، ۱۳۷۶: ۷۶). وی تأثیر بسیاری از اشعار رئالیستی سید عظیم شیروانی پذیرفته بود. در واقع، همان‌طور که اشعار رئالیستی شیروانی بر صابر تأثیر داشت، اشعار صابر نیز به نوبه خود، نه تنها در ملانصرالدین، بلکه در ایران و اندیشه‌های رئالیستی شاعرانی مانند ابوالقاسم لاهوتی نیز تأثیر گذاشت (همان: ۹۵).

جلیل محمدقلی زاده نیز با همکاری صابر و دیگر روشنفکران در ملانصرالدین، هجویات رئالیستی و نوگرایانه سید عظیم را به صورت نثر و با لحن طنزآمیزی دنبال می‌کردند. ملانصرالدین مدام تلاش می‌کرد که با ترغیب مردم، به‌خصوص عوام، به علم، از اعمال خرافی و تعصبات دینی دور شده و زندگی واقعی در پیش گیرند. در واقع، جلیل محمدقلی - زاده نیز همانند شیروانی، یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان را تبلی و سستی مسلمانان می‌دانست و از رواج عقیده بی‌اعتباری دنیا در میان مسلمانان قفقاز که هرگونه تلاش و کوشش و زندگی حقیقی را از انسان سلب می‌نمود، انتقاد می‌کرد. وی همچنین، با سید عظیم شیروانی در این عقیده که روحانیون عامل اصلی خرافات موجود در جامعه هستند، اشتراک نظر داشت (ملانصرالدین، ۳۰ مارس ۱۹۰۸، ش ۱۳: ۴-۵). ملانصرالدین در تلاش برای ترویج رئالیسم، تنها به تبعات منفی اجتماعی این‌گونه عقاید خرافی که بیشتر از سوی برخی روحانیون متعصب تبلیغ می‌شد، اکتفا نمی‌کرد؛ بلکه تلاش می‌نمود مخاطبان خود را از آثار و نتایج مثبت سیاسی نیز در نتیجه دوری از خرافات و گرایش به رئالیسم آگاه سازد. به همین منظور، یکی از تبعات مهم عدم توجه به رئالیسم و اندیشه‌های جدید را تضییق حقوق مسلمانان قفقاز می‌داند (همان). طبیعی است که این‌گونه اقدامات ملانصرالدین، واکنش منفی روحانیون متعصب را در پی داشته باشد. بدین ترتیب، جلیل محمدقلی زاده نیز همانند شیروانی از سوی روحانیان متعصب، به کفر متهم و حتی به مرگ نیز تهدید شد (Aşırılı, 2009: 84-86) و اگر مدتی در محله گرجی نشین تفلیس ساکن نمی‌شد (موسوی عبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۱)، شاید او نیز به همان سرنوشت سید عظیم شیروانی دچار می‌گردید.

مهم‌ترین آثار جلوه‌های اندیشه‌های رئالیستی سید عظیم شیروانی در ملانصرالدین

الف. لزوم توجه به اهمیت و اعتبار علم

شاید بتوان گفت که محوری‌ترین اندیشه سید عظیم شیروانی که در نشریه ملانصرالدین نیز تجلی یافته، علم است. اشعار مربوط به علم، دانایی و نقش آن در ریشه‌کنی جهل و خرافات و عوام‌گرایی، بیشترین تعداد اشعار سید عظیم را به خود اختصاص داده است. وی از هر ابزاری برای ترغیب مردم به علم بهره می‌گرفت؛ زیرا نادانی را بزرگ‌ترین درد جامعه اسلامی می‌دانست: «بیر بلادیر بو درد نادانی / کی، اونون علم اولوبدو درمانی» (Shirvani, 2005: II/ 117)؛ یعنی: درد نادانی، دردی است که درمان آن، فقط علم است.

ملانصرالدین هم از اینکه مسلمانان چندین قرن است که در جهالت به سر می‌برند، انتقاد می‌کرد و با مقایسه مسلمانان با کشورهای اروپایی، عامل اصلی ترقی و پیشرفت آنان را علم دانسته و می‌نویسد که همه گرفتاری‌ها و دردهای مسلمانان، فقط با علم درمان می‌شود (ملانصرالدین، ۲ مارس ۱۹۰۸، ش ۹: ۲). اهمیت علم و تحصیل در نظر سید عظیم شیروانی، تا حدی بود که وی از تحصیل و کسب معارف به زبان روسی هم حمایت کرده و معتقد بود که ما در شرایط کنونی به منظور باسوادی و آگاهی، به زبان روسی هم نیاز داریم (Shirvani, 1945: 4)؛ زیرا به عقیده وی، علم به هیچ زبانی اختصاص ندارد و با هر زبانی می‌توان آن را یاد گرفت: «بیلیدیر اطلبوا العلم و لو بالصین دین مطلب / مرادی علم‌دی هر دیلده اولسا، یو خودور کفرانی» (Shirvani, 2005: II/ 193)؛ یعنی: می‌داند (خود شیروانی) که مراد از سخن «اطلبوا العلم و لو بالصین»، آموختن علم است؛ به هر زبانی که باشد.

اصولاً سید عظیم برخلاف آخوندزاده، هیچ‌گونه تعصب زبانی نداشته و معتقد بود که همه زبان‌ها آفریده خدا هستند و انسان نباید با هیچ زبانی بیگانه باشد (Shirvani, 2005: III/ 22). آثار رویکرد سید عظیم در باره این مسئله نیز در نشریه ملانصرالدین مشاهده می‌شود؛ زیرا ملانصرالدین نیز از تحصیل بچه‌های مسلمان به زبان روسی حمایت می‌نمود و نظر کسانی را که به بهانه روسی شدن، اجازه تحصیل به فرزندانشان در مدارس روسی را نمی‌دادند، رد می‌کرد (ملانصرالدین، ۱۰ فوریه ۱۹۰۸، ش ۶: ۳).

سید عظیم از کسانی که در راه ترویج علم و دانش در میان مسلمانان ممانعت می‌کنند، به شدت انتقاد می‌کند و آنان را همانند فرعون‌یانی می‌داند که دشمن عقل و شعور و فهم

هستند: «هانسی فرعونی جهول و کبر و غرور / دشمن عقل و فهم شعور / قویماز عالمده علم ادک حاصل / تا الألق بیر مقامه بیز واصیل...» (Shirvani, 2005: II/ 67)؛ یعنی: کدام فرعون جاهل و مغرور و متکبر که دشمن عقل و فهم و شعور است، اجازه کسب علم را به ما نمی‌دهد تا ما نیز به مقامی برسیم. مضمون این سخن سید عظیم، در شعری در ملانصرالدین بدین صورت تجلی یافته است: «مادام که حامیانِ ظلمت / خوشلار که دوام ایده جهالت / هیهات بیلور می آنده ملت / توحید نه‌در و یا نبوت...»^۱ (ملانصرالدین، ۳۰ مارس ۱۹۰۸، ش ۱۳: ۳).

انتقاد از کسانی که مانع تحصیل علم در میان مسلمانان می‌شوند، در جای‌جای صفحات ملانصرالدین هم به چشم می‌خورد. ملانصرالدین همچنین، از مقاومت و مخالفت روحانیون متعصب در برابر مدارس جدید انتقاد می‌کند (ملانصرالدین، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۸، ش ۴: ۶؛ همان، ۶ آوریل ۱۹۰۸، ش ۱۴: ۳) و از روحانیون متعصب می‌خواهد که به جای مبارزه با مدارس، انجمن‌ها و آموزش دختران، تلاش خود را به حل‌وفصل امور مسلمانان و دفاع از حقوق آنان معطوف نمایند (ملانصرالدین، ۱۷ فوریه ۱۹۰۸، ش ۷: ۶-۷).

اقدام سید عظیم در انتقاد از کسانی که مدرسه را عامل اصلی گمراهی و بی‌دینی بچه‌ها می‌دانستند، در نشریه ملانصرالدین هم دنبال شده است: «دئدیلر نیلیریک بیز او درسه موهونی؟... هر او شاق گئدسه ال دبستانه / اولاجاق دیندن او بیگانه» (Shirvani, 2005: II/ 133)؛ یعنی: گفتند که ما چیکار با این درس موهوم داریم... هر بچه‌ای به آن دبستان برود، بی‌دین می‌شود.

ملانصرالدین در مطالب بسیاری، چه به صورت شعر و چه به صورت نثر، از اینکه برخی افراد درس خواندن بچه‌ها را موجب گمراهی از دین می‌دانند، انتقاد می‌نماید و هدف اصلی اشاعه این‌گونه افکار را جلوگیری از آگاهی مردم توسط برخی افراد که با خرافات دینی مردم را سرکیسه می‌کنند، می‌داند (ملانصرالدین، ۲۵ آگوست ۱۹۰۶، ش ۲۱: ۲-۳)؛ زیرا باسواد شدن مردم، مانع مهمی برای سرکیسه کردن مردم توسط روحانیون متعصب است و علم و تحصیل، همیشه برای این گروه ناخوشایند است (ملانصرالدین، ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱، ش ۳۶: ۳)؛ به همین جهت، با تأسیس مدارس روس - مسلمان یا روس تاتار نیز در میان مسلمانان

^۱ «تازمانی که حامیان ظلمت و تاریکی، دوست داشته باشند که جهالت ادامه یابد، هیهات، مگر ملت می‌توانند که از توحید و نبوت خود آگاهی داشته باشند؟»

قفقاز مخالفت می‌کردند که انتقاد ملانصرالدین را نیز در پی داشت (ملانصرالدین، ۱ اکتبر ۱۹۱۱، ش ۳۴: ۶). در همین راستا، یکی از تأثیرات مهم علم را شک و شبهه مردم به زیارت پیران و درویشان می‌داند که رواج گسترده‌ای در آن دوره داشت (ملانصرالدین، ۳۰ دسامبر ۱۹۰۷، ش ۴۹: ۷).

۱. توجه به علوم عقلی و کاربردی

موضع ملانصرالدین مبنی بر تدریس علوم جدید در مدارس، یکی دیگر از جلوه‌های تجلی اندیشه‌های سید عظیم شیروانی را در این نشریه نشان می‌دهد. سید عظیم، یکی از عوامل مهم در باسوادی و ترقی انسان را تحصیل علوم جدید می‌دانست و خواستار تدریس این علوم در مدارس بود: «... گُتورسُون آرادان انشاء و بستانو گلستانی / اُخونسون هیئت و حکمت، حسابو علمِ جغرافی / پَتر، بسدیر اَشیددیک قصه‌ی یوسفو زلیخانی» (Shirvani, 2005: II/ 193-194)؛ یعنی: نوشتن گلستان و بوستان از میان برداشته شده و به جای آن، علوم هیئت و حکمت و حساب و جغرافی خوانده شود. شنیدن قصه یوسف و زلیخا هم دیگر کافی است.

شیروانی، از رشد جایگاه علوم و فنون جدید در دنیا و اوضاع آن روز جهان آگاهی داشت و از اینکه مسلمانان قفقاز رشد سریع علم و صنعت را در جهان درک نکرده و در مقابل برخی امکانات جدید مانند تلگراف و راه آهن مقاومت نشان می‌دادند، به شدت واکنش نشان داد (Shirvani, 2005: III/ 44). به اعتقاد سید عظیم شیروانی، در شرایطی که مردم دیگر نقاط جهان برای رفتن به آسمان‌ها نقشه می‌کشند، مسلمانان هنوز در خواب غفلت به سر می‌برند و باید یک معلم آنها را از خواب غفلت بیدار کند (Shirvani, 2005: II/ 117-121). سید عظیم، از کسانی که به جای تأمل و تفکر در ویژگی‌های خلقت، به نقل داستان‌ها و حکایت‌های عاشقانه روی آوردند، انتقاد و تبیینی علمی از متحرک بودن زمین و نیز دلایل وقوع زلزله ارائه کرد که دشمنی علما و مردم آن عصر را در پی داشت (شیروانی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸).

ملانصرالدین هم از توجه صرف به علم صرف و نحو و عدم توجه به علوم طبیعی و ریاضی انتقاد می‌کند (ملانصرالدین، ۱۷ سپتامبر ۱۹۰۷، شماره ۳۵: ۳-۶) و این عقیده برخی از روحانیون را که معتقد بودند اگر کسی همه علوم ریاضی و حکمت طبیعی را همانند

ارسطو بداند، اما به علم دیانت آگاه نباشد، به عالم انسانیت و مدنیت وارد نمی‌شود، به سخره می‌گیرد (ملانصرالدین، ۲۶ مه ۱۹۰۶، ش ۸: ۷)؛ زیرا در آن دوره، از نظر ملایان منظور از علم، فقط علم دیانت و شریعت بود (ملانصرالدین، ۷ فوریه ۱۹۱۱، ش ۶: ۱). به اعتقاد ملانصرالدین، منافع روحانیان متحجر نیز در این است که در مکتب‌های قدیمی خود، علوم کذایی مانند رمالی را به شاگردان خود یاد دهند تا از این طریق بتوانند ثروت عوام و ساده‌لوح را از دستشان بیرون کنند (ملانصرالدین، ۷ آوریل ۱۹۱۱، ش ۱۳: ۳). ملانصرالدین با مقایسه تحصیلات یک کشیش با یک روحانی مسلمان، به مسئله مهمی نیز اشاره دارد که در پی آن، درحالی که یک کشیش غیرمسلمان به علوم جدیدی مانند: جغرافیا، تاریخ، هندسه و هیئت و نجوم تسلط دارد، یک روحانی مسلمان به مسائل کاذبی چون: تعبیر خواب، تنبیه الغافلین، رمل و غیره اشتغال دارد (ملانصرالدین، ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱، ش ۳۳: ۴).

در مدارس نیز تدریس علوم عقلی و کاربردی مانند ریاضی، مخالفت شاگردان و برخی از والدین را در پی داشت که ملانصرالدین مجبور به واکنش می‌شد. به همین جهت، نارضایتی برخی شاگردان از معلمان را به علت الزام در حل برخی مسائل روزمره خود به صورت معادله ریاضی نمی‌پذیرد.^۱ حساسیت ملانصرالدین به لزوم توجه به علوم عقلی و کاربردی، به حدی بود که حتی نام مدارس اصول جدید نیز این نشریه را فریب نمی‌داد؛ چراکه این نشریه، حتی در مواردی، از مدارس اصول جدید نیز به دلیل توجه به مسائل کاذب مانند شراب و نحوه تهیه آن به جای علوم جدید و عقلانی، انتقاد می‌کرد (ملانصرالدین، ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱، ش ۳۶: ۷).

۲. واقع‌نگری علمی

تا قبل از قرن نوزدهم، در اکثر کشورهای اسلامی به دلیل توجه صرف به علوم دینی، همه حوادث و رویدادهای اجتماعی رنگ‌وبوی ماورایی داشت و مسلمانان از علوم و روش‌های تجربی بهره‌ای نداشتند. جوامع اسلامی برای نخستین بار در قرن نوزدهم بود که از پیشرفت علوم و فنون جوامع غربی آگاهی پیدا کردند. هم‌زمانی این آگاهی‌ها با نفوذ و رسوخ

^۱ به عنوان مثال، معلمان از شاگردان می‌پرسیدند که اگر در هر دقیقه ۱۰۰ قطره آب به یک دیگ وارد شود، چقدر طول می‌کشد تا دیگ پر شود (ملانصرالدین، ۳۰ ژوئن ۱۹۰۶، ش ۱۳: ۶-۷).

گسترده استعمار غرب در کشورهای اسلامی، برخی از روشنفکران مسلمان را به این نتیجه رساند که مسلمانان نیز باید اصول و موازین علوم جدید را یاد بگیرند و پدیده‌های اجتماعی را با روش‌های تجربی مطالعه کنند.

سید عظیم شیروانی، یکی از پیشروان واقع‌نگری علمی در میان مسلمانان قفقاز به شمار می‌رفت. وی تلاش بسیاری می‌کرد تا با تبیین علمی از رویدادها و حوادث، مسلمانان قفقاز را با رئالیسم علمی و علوم جدید رایج در میان دیگر ملت‌ها آشنا کند. سید عظیم، از نخستین عالمان مسلمان در قفقاز بود که برخلاف خرافات رایج آن زمان، به انتقاد از علوم غیرکاربردی و نیز تبیین علمی از حوادثی مانند: زلزله، کسوف و خسوف می‌پردازد.

شیروانی برای اولین بار در قفقاز، پدیده خورشیدگرفتگی را به شکل علمی آن، یعنی قرار گرفتن ماه بین زمین و خورشید توصیف می‌کند و از هرگونه عقیده خرافی در باره پنهان شدن ظل‌الأرض در هنگام ماه‌گرفتگی به شدت انتقاد می‌کند (Shirvani, 2005: II/ 117-121). شیروانی همچنین، از نقش آب‌وهوا در اخلاق و مزاج انسان‌ها و نیز تغییر فصول به صورت علمی سخن به میان آورده است (Shirvani, 2005: III/45-46).

به نظر می‌رسد که ملانصرالدین و جلیل محمدقلی‌زاده، در مسئله واقع‌گرایی و تبیین علمی و به دور از خرافه، از حوادث و رویدادها تأثیر عمیق‌تری پذیرفته باشند؛ این مسئله با مرور شماره‌های مختلف ملانصرالدین و آثار افکار سید عظیم در خصوص واقع‌نگری علمی، به‌وضوح دیده می‌شود. ملانصرالدین هم از مخالفت برخی افراد و بزرگان در برابر کسانی که دلایل علمی برای زلزله قائل‌اند، انتقاد می‌کند (ملانصرالدین، ۲۶ مه ۱۹۰۷، ش ۲۱: ۲-۳). انتقاد از عقاید خرافی مردم در مورد خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی نیز بخش مهمی از مطالب ملانصرالدین را به خود اختصاص می‌داد. ملانصرالدین از اینکه مردم حوادثی مانند خورشیدگرفتگی را نشانه شومی دانسته و یا اینکه آن را به ارواح خبیثه نسبت می‌دهند، انتقاد می‌نماید (ملانصرالدین، ۶ ژانویه ۱۹۰۷، ش ۱: ۳) و از برخی تفاسیر و اقدامات غیرعلمی و خرافه‌آمیز عوام در هنگام ماه‌گرفتگی انتقاد می‌کند و معتقد است که این‌گونه اعمال، باعث تمسخر مسلمانان توسط کشورهای اروپایی می‌شود (ملانصرالدین، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۷، ش ۴: ۲). ملانصرالدین همچنین، اعتقادات برخی از ملایان در باره عناصر اربعه و تفسیرهای غیرواقعی و خلاف علمی آنها از این عناصر را به‌سخره گرفته (ملانصرالدین، ۸ سپتامبر ۱۹۰۶، ش ۲۳: ۶) و از دلایل غیرعلمی برخی از بیماری‌ها انتقاد می‌نماید (ملانصرالدین،

۴ آگوست ۱۹۰۶، ش ۱۸: ۲-۳).

ب. مبارزه با خرافات

از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سید عظیم که در ملانصرالدین نیز تأکید بسیاری بدان می‌شد، خرافات بود. قفقاز نیز همانند اکثر نقاط اسلامی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در تعصب و خرافه‌گری به‌سرمی‌برد. این‌گونه خرافات، در نظر عالمی چون سید عظیم که به هر دو علوم دینی و جدید آشنایی داشت، مذموم و ناپسند می‌آمد. وی بخش مهمی از عمر خود را در راه مبارزه با اعتقادات خرافی مردم در خصوص رویدادهایی مانند: کسوف و خسوف، زلزله، اعمال خرافی ماه محرم و روحانیونی که به این خرافات دامن می‌زدند، سپری کرد. جلیل محمدقلی‌زاده، مدیر ملانصرالدین هم تحت تأثیر این فضا و اندیشه‌های سید عظیم، بخش مهمی از مطالب نشریه را به انتقاد از خرافات موجود در جامعه اختصاص می‌داد که مسائلی از قبیل: حوادث طبیعی، شیوه لباس پوشیدن از جمله کلاه گذاشتن، حنا گذاشتن بر روی ریش و اعمال خرافی واعظان و مرثیه‌خوانان، مهم‌ترین آنها بود. طبیعتاً این‌گونه موضع‌گیری در نظر اکثر مردم عوام که آلوده به تعصب و خرافه بودند، قابل تحمل نبود. بنابراین، عجیب نیست که به سید عظیم شیروانی لقب «مرکز سفاقت» می‌دادند (Shirvani, 2005: III/13-14) و جلیل محمدقلی‌زاده نیز ناچار شد جهت در امان ماندن از تهدیدات مخالفان، در محله گرجی نشین تفلیس منزل گزیند (موسوی عبادی، بی تا: ۹۶-۹۷).

سید عظیم شیروانی، از اولین کسانی است که در میان مسلمانان قفقاز، اعمال و اعتقادات خرافه‌آمیز آنان در باره خسوف و کسوف و زلزله را زیر سؤال برد و از آن انتقاد کرد. وی از مردم خواست در صورتی که علم پیشه کنند و عقل را پیامبر خود قرار داده و از اطاعت کورکورانه از پدران خود دست بردارند (Shirvani, 2005: III/18-19)، در این صورت است که آنها به جای اینکه زمین را مرکز عالم بدانند، خورشید را مرکز عالم فرض خواهند کرد؛ به جای اینکه زمین را ثابت بدانند، آن را متحرک خواهند دانست و نیز به جای اینکه عامل زلزله را گاو نر در اعماق زمین بدانند، علت آن را بخارات حاصل در اعماق زمین خواهند دانست (Shirvani, 2005: II/ 117-121). سید عظیم همچنین، اعتقادات و اعمال مردم

در باره خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی را زیر سؤال برد و از آن انتقاد نمود: «... شرح ائده گوئن توتولماقین سؤزونی / دئییه کیم، آی توتور گونون اوژونی / توتولان وقتده مه تابان / دئییه کیم، ظل الأرض ادير پنهان / اده عرشین خروسینی انکار / ائتمیه بو کلامه استغفار / دئیجکلر کی جمله کافر دی» (Ibid: 119)؛ یعنی: اگر سخن خورشیدگرفتگی به میان آید، چه کسی می‌تواند بگوید که ماه در جلوی خورشید قرار می‌گیرد و در وقت ماه‌گرفتگی نیز چه کسی می‌تواند بگوید که ظل الأرض پنهان شده و خروس عرش را منکر شود؟ و اگر از این گفته خود توبه نکند، خواهند گفت که همه آنان کافر هستند.

ملانصرالدین هم با زبان خاص خود، از مخالفت برخی افراد و بزرگان در برابر کسانی که دلایل علمی برای زلزله قائل‌اند، انتقاد می‌کند (ملانصرالدین، ۲۶ مه ۱۹۰۷، ش ۲۱: ۲-۳). انتقاد از عقاید خرافی مردم در مورد خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی، بخش مهمی از انتقادهای ملانصرالدین را به خود اختصاص می‌داد. ملانصرالدین از اینکه مردم حوادثی مانند خورشیدگرفتگی را نشانه شومی دانسته و یا اینکه آن را به ارواح خبیثه نسبت می‌دهند، انتقاد می‌کند (ملانصرالدین، ۶ ژانویه ۱۹۰۷، ش ۱: ۳). همچنین، از اینکه در تبریز و جاهای دیگر در هنگام ماه‌گرفتگی توپ و تفنگ به طرف آسمان شلیک می‌کنند، انتقاد می‌کند و معتقد است که این‌گونه اعمال، باعث تمسخر مسلمانان توسط کشورهای اروپایی می‌شود (ملانصرالدین، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۷، ش ۴: ۲).

انتقادات شدید سید عظیم از دروغ‌گویی برخی واعظان و مرثیه‌خوانان در ایام محرم و برخی اعمال خرافی مانند شکافتن سر، یکی دیگر از مواردی است که ملانصرالدین آن را با شدت بیشتری دنبال می‌کند. سید عظیم، مرثیه‌خوانان را دروغ‌گو می‌دانست و به آنان اعتماد نداشت. وی حتی از تعزیه‌خوانان نیز به شدت انتقاد می‌کرد (Shirvani, 2005: II/ 37-42). ملانصرالدین هم از دروغ‌های مرثیه‌خوانان انتقاد می‌نماید (ملانصرالدین، ۶ ژانویه ۱۹۰۷، ش ۱: ۶-۷) و با معرفی واعظان به عنوان یکی از عوامل مهم در ترویج خرافات، ۹۰ درصد احادیث واعظان را نیز جعلی می‌داند (ملانصرالدین، ۲۱ آوریل ۱۹۰۷، ش ۱۶: ۳-۶). ملانصرالدین همچنین، از ورود بی‌حدوحصر روضه‌خوانان و مرثیه‌خوانان از ایران به قفقاز در حین محرم انتقاد کرده و معتقد است که اکثر این روضه‌خوانان، فقط به منظور کسب پول به اینجا می‌آیند (ملانصرالدین، ۳ فوریه ۱۹۰۸، ش ۵: ۳-۶).

به نظر می‌رسد که ملانصرالدین انتقاد از قمه‌زنی و شکافتن سر در عزاداری ماه محرم را

نیز از سید عظیم شیروانی به ارث برده باشد. سید عظیم، مردم را به تفکر و تعمق بیشتر در عزاداری ماه محرم دعوت می‌کند و از شکافتن سر، به شدت انتقاد می‌نماید (Shirvani, 2005: II/ 35-42). سید تأکید داشت که این‌گونه عقاید خرافی، باعث بدنامی مسلمانان در میان ملت‌های بیگانه می‌شود (Ibid). ملانصرالدین نیز بخش قابل توجهی از مطالب انتقادی و تمسخرآمیز خود را به انتقاد از قمه‌زنی و شکافتن سر در ماه محرم اختصاص داده و از آن به شدت انتقاد می‌کند (ملانصرالدین، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۷، ش ۲: ۷؛ همان، ۱۰ فوریه ۱۹۰۷، ش ۶: ۷). ملانصرالدین نیز همانند سید عظیم، نگرانی خود را از اینکه غربی‌ها مسلمانان را به دلیل این‌گونه اعمال وحشی قلمداد کنند، اعلام می‌کرد (ملانصرالدین، ۱۰ فوریه ۱۹۰۷، ش ۶: ۲).

ج. دفاع از مطبوعات به عنوان پشتوانه نظری اندیشه‌های جدید و رئالیستی

یکی از مهم‌ترین حوادث زندگی سید عظیم شیروانی، فعالیت‌های مطبوعاتی است. سید عظیم شیروانی، اهمیت و جایگاه مطبوعات در رشد و پیشرفت جوامع اسلامی را به خوبی درک می‌کرد. به همین جهت، از اولین فعالان عرصه مطبوعات در میان مسلمانان قفقاز به شمار می‌رود. وی در تأسیس روزنامه «اکینچی» (کشاورز)، نخستین روزنامه ترک‌های مسلمانان قفقاز در سال ۱۸۷۵م، همکاری نزدیکی با حسن بیگ زردآبی داشته و نقش مهمی در ترغیب مردم به سوی مطبوعات در قفقاز ایفا نمود.

سید عظیم غیر از اکینچی، با روزنامه‌های «ضیاء قفقازیه» و «کشکول» نیز همکاری داشت و از اولین روشنفکرانی است که به تبلیغ رئالیسم و اصول جدید در روزنامه‌ها پرداخته است. وی از نقش و تأثیر روزنامه «ضیاء قفقازیه» در وحدت و آگاهی مردم و نیز کاهش استبداد تمجید و از تأثیر آن در ایران نیز صحبت به میان آورده است (Shirvani, 2005: II/60-67).

شیروانی در شعری، با انتقاد از مقاومت مردم در برابر تأسیس اکینچی، نقش و جایگاه مطبوعات در آگاهی از علوم و فنون جدید، به‌ویژه در امور مربوط به فلاح و کشاورزی را تبیین و تشریح می‌کند و یادآور می‌شود که هر ملتی که روزنامه بسیاری داشته باشد، از فواید فراوانی هم بهره‌مند خواهد شد (Shirvani, 2005: II/57-58). وی از تلاش‌های حسن

بیگ زردآبی در ترویج آگاهی و بیداری مردم، تمجید می‌نماید و با تبیین اهمیت روزنامه در رفاه و معیشت مردم و آگاهی از اوضاع دیگر نقاط جهان، با بیان اینکه اکثر ملت‌ها از روزنامه استفاده می‌کنند، به کسانی که در برابر روزنامه مقاومت می‌ورزند، واکنش شدیدی نشان می‌دهد (Ibid: 58-60).

آثار اندیشه و عمل شیروانی در عرصه مطبوعات نیز در افکار و اندیشه جلیل محمدقلی - زاده و مجله وی، به وضوح دیده می‌شود. محمدقلی زاده نیز از همان ابتدای جوانی خود، راه‌حل آگاهی و دور کردن مردم از جهل و خرافه را در روزنامه می‌دید. به همین جهت، نخستین فعالیت خویش در مبارزه با جهل و خرافه و ترویج رئالیسم و اصول جدید را از مطبوعات شروع کرد. مدت کوتاهی پس از ناکامی در اخذ مجوز روزنامه‌ای با عنوان «نوروز»، سرانجام بهترین راه آگاه کردن مردم و ترویج رئالیسم و نوگرایی در بین مسلمانان را در تأسیس نشریه ملانصرالدین دید. با بررسی اقدامات و عملکرد محمدقلی زاده در عرصه مطبوعات، می‌توان بر اهمیت و نقش مطبوعات در انتقال اندیشه‌های جدید و رئالیستی در دیدگاه جلیل محمدقلی زاده و ملانصرالدین پی برد.

در زمان انتشار ملانصرالدین نیز یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در بین مسلمانان قفقاز، تبلیغات منفی عوام و برخی روحانیون متحجر علیه مطبوعات بود که در صدد نشر اصول جدید و رئالیستی بودند (ملانصرالدین، ۱۶ آوریل ۱۹۱۱، ش ۱۴: ۳). طبیعی است که آنها تمام کوشش خود را برای توقیف مطبوعات نیز به کار می‌بردند (ملانصرالدین، ۳۱ مارس ۱۹۱۱، ش ۱۲: ۳). نشریه ملانصرالدین نیز تلاش می‌کرد با تبیین اهمیت همه‌جانبه مطبوعات، انتقاد خود را از این اعتقاد که مطبوعات صرفاً باید در حوزه مسائل دینی و شریعت فعالیت داشته باشند، اعلام می‌کرد (ملانصرالدین، ۲۹ ژانویه ۱۹۱۱، ش ۵: ۳). بنابراین، با روش خاص طنزگونه خود، این گونه رویکردها در قبال مطبوعات را به تصویر می‌کشید و از آن انتقاد می‌کرد (ملانصرالدین، ۳ فوریه ۱۹۰۸، ش ۵: ۶).

در همین راستا، ملانصرالدین با مسئله تکفیر کسانی که روزنامه می‌خوانند نیز روبه‌رو بود؛ زیرا مطبوعات از نگاه روحانیون متعصب، کفر و گمراهی فرزندان آنها را باعث می‌شد (ملانصرالدین، ۲ مارس ۱۹۰۸، ش ۹: ۷). روحانیون متعصب به خوبی می‌دانستند که اگر مردم به نقش و اهمیت روزنامه پی برده و آگاه شوند، دیگر کسی از آنها اطاعت نخواهد کرد. بنابراین، تلاش می‌کردند مردم را از توجه به اهمیت مطبوعات باز دارند (ملانصرالدین، ۲۰

نوامبر ۱۹۱۱، ش ۴۱: ۷). به همین جهت، آنها به دنبال رواج این عقیده در میان عوام بودند که هرکس روزنامه بگیرد و بخواند و یا مطلبی برای روزنامه بفرستد، مسلمان نیست (همان: ۳). این مسئله تا بدانجا پیش رفت که خود نشریه ملانصرالدین، از سوی روحانیون نجس اعلام شد (ملانصرالدین، ۳۰ مارس ۱۹۰۸، ش ۱۳: ۲). این‌گونه موضع‌گیری‌های تند علیه مطبوعات را ملانصرالدین با رویکرد طنزگرایانه خود پاسخ می‌داد و به طور غیرمستقیم مردم را از نقش و اهمیت مطبوعات در اصلاح و پیشرفت جامعه آگاه می‌کرد (ملانصرالدین، ۱۱ اگوست ۱۹۰۶، ش ۱۹: ۷). البته مردم هم رفته‌رفته به اهمیت مطبوعات پی برده، دور از چشم روحانیون به خرید و خواندن روزنامه اقدام می‌کردند (ملانصرالدین، ۳ دسامبر ۱۹۱۱، ش ۴۳، ۵). بدین ترتیب، می‌توان گفت که اهمیت و اعتبار مطبوعات در اندیشه و عمل جلیل محمدقلی‌زاده نیز تا حد بسیاری تحت تأثیر اندیشه‌های شیروانی درباره مطبوعات است.

نتیجه

این پژوهش، بر آن بود تا مؤلفه‌های نوگرایی و رئالیسم در نشریه ملانصرالدین را با تکیه بر افکار و اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی سید عظیم شیروانی بررسی کند. سید عظیم شیروانی، یکی از پیشگامان نوگرایی و رئالیسم در میان مسلمانان قفقاز بود که پیوسته می‌کوشید تا به اندیشه‌های خود جامعه عمل پوشاند. او با ایجاد مدارس جدید و تربیت شاگردانی واقع‌گرا، زمینه ورود آنان را در مطبوعات قفقاز فراهم ساخت. نشریه ملانصرالدین، یکی از این نشریات قفقاز بود که جلوه‌هایی از اندیشه‌های نوگرایانه و رئالیستی سید عظیم شیروانی در آن به‌وضوح دیده می‌شود.

در این بررسی، مشخص شد که تأثیر مؤلفه‌های جدید و رئالیستی سید عظیم در ملانصرالدین، انکارناپذیر است و آثار این تأثیر، در لابه‌لای صفحات ملانصرالدین آشکارا قابل ملاحظه است. اندیشه‌های سید عظیم درباره علم، واقع‌نگری علمی، مبارزه با خرافات و نیز تبیین اهمیت مطبوعات به عنوان پشتوانه نظری اندیشه‌های نو و رئالیستی، تحول مهمی در محتوای ملانصرالدین برجای گذاشت و این نشریه را با وجود همه فشارها و تکفیرها، به یکی از مهم‌ترین نشریات نوگرایانه و رئالیستی در منطقه و جهان اسلام در قرن

بیستم تبدیل نمود.

منابع

الف. کتاب و مقاله

۱. آخوندزاده، میرزافتحعلی (۱۳۵۱)، *مقالات*، گردآورنده: باقر مؤمنی، تهران: آوا.
۲. دشتکی‌نیا، فرهاد (۱۳۹۶)، «ملانصرالدین و انقلاب مشروطیت ایران؛ تحلیلی بر چرایی و چگونگی بازتاب انقلاب مشروطیت ایران در مجله ملانصرالدین»، جستارهای تاریخی، سال هشتم، شماره دوم.
۳. رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۸)، «عندلیب کاشی، پدر بزرگ زنده یاد کاوه دهگان و [ارادت]نامه‌های سید عظیم شیروانی به او...»، مجله چیستا، شماره ۲۵۸ و ۲۵۹.
۴. سید حسینی، رضا (۱۳۸۷)، *مکتب‌های ادبی*، جلد اول، تهران: انتشارات نگاه، چاپ پانزدهم.
۵. شیروانی، سید عظیم (۱۳۸۰)، *دیوان سید عظیم شیروانی*، به کوشش: حسین فیض‌الهی و وحید، تبریز: فخرآذر، چاپ دوم.
۶. — (۱۳۸۶)، *دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی*، تدوین، مقدمه و حواشی: حسین محمدزاده صدیق، تبریز: ندای شمس.
۷. محمدقلی‌زاده، جلیل (۱۳۷۶)، *ملانصرالدین*، به کوشش: محسن قشمی، تهران: نشر ثالث.
۸. موسوی‌عبادی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۷)، «مجله ملانصرالدین»، مجله یاد، شماره ۸۹-۹۰.

ب. نشریات

۱. روزنامه ملانصرالدین، سال ۱۹۰۶م، شماره‌های: ۸، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۱ و ۲۳.
۲. —، سال ۱۹۰۷م، شماره‌های: ۱، ۲، ۴، ۶، ۱۶، ۲۱، ۳۵ و ۴۹.
۳. —، سال ۱۹۰۸م، شماره‌های: ۴، ۵، ۶، ۷، ۹ و ۱۳.

نوگرایی و رئالیسم در اندیشه‌های سید عظیم شیروانی و تأثیر آن در محتوای نشریات ... ۳۳۱

۴. _____ ، سال ۱۹۱۱ م، شماره‌های: ۵، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۳، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۱ و ۴۳.

۵. روزنامه شرق روس، شماره ۱۴، ۲ مه ۱۹۰۳ م.

۶. _____ ، شماره ۲۰، ۱۸ مه ۱۹۰۳ م.

ج. متون لاتین

1. Ashirli, Akif (2009), Azerbaycan matbuat tarixi (1875-1920), Baki: Elm ve tahsil.
2. Adabiyat Macmuasi(2017), XXIX. Baki: Elm ve tehsil.
3. Kocharli, Firidun Bay (2005), AzarbaycanAdabiyati, II cild, Baki: Avrasiya Press.
4. MollaPanahVagif (2004), Asarlari,Baki:sharg-qarb.
5. Shirvani, seyidazim (2005), SechilmishAsarlari, I cild, Baki: Avrasiya press.
6. _____ (2005), SechilmishAsarlari, II cild, Baki: Avrasiya press.
7. _____ (2005), SechilmishAsarlari, III cild, Baki: Avrasiya press.
8. _____ (1945), QazveDurna, Baki: AzerbaycanLkgi Mk UshaqVeGenclerAdabiyatiNashriyyati.